

خلاصه ای از زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

<?xml encoding="UTF-8">



خلاصه ای از زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

نام: فاطمه (سلام الله علیها)؛

نام پدر: محمد رسول الله (صلی الله علیه وآله)؛

نام مادر: خدیجه کبری (سلام الله علیها)؛

القاب آن حضرت: زهرا، صدیقه، زهره، بتول؛

کنیه: ام الحسین، ام ابیها، ام الائمه؛

محل تولد: مکه مکرمه؛

زمان تولد: جمعه بیست جمادی الثانی، پنج بعثت؛

تاریخ ازدواج: دوم هجرت؛

نام همسر: علی مرتضی (علیه السلام)؛

نام فرزندان: حسن، حسین، زینب، محسن، ام کلثوم؛

زمان و محل شهادت: سیزده جمادی الاول یا سوم جمادی الثانی، یازدهم هجری در هجده سالگی در شهر مدینه النبی؛

مزار آن حضرت: به قولی در کنار قبر پیامبر (صلی الله علیه وآله) یا قبرستان بقیع یا بین منبر و قبر پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مسجد النبی

دوران حیات: 1- زندگی در کنار پیامبر (صلی الله علیه وآله) و شوهرش علی (علیه السلام)؛ 2 - چند ماه بعد از فوت پیامبر (صلی الله علیه وآله)

دوران کودکی حضرت

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) روز بیست جمادی الاخر سال پنجم بعثت از بطن مادرش خدیجه درمکه مکرمه بدنیا آمد، حدیثی از پیامبر درباره دخترش حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نقل شده است که فرموده: «خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ؛ خداوند نور فاطمه را قبل از اینکه زمین و آسمان را بیافریند، آفریده است»؛ حدیثی از پیامبر نقل شده است که فرمود چرا رفتار محبت آمیزی که با فاطمه (سلام الله علیها) داری با دیگر فرزندانند نداری؟ پیامبر فرمود: قبل از اینکه نطفه فاطمه ایجاد شود جبرئیل برای من سیبی از بهشت آورد من آن سیب را خوردم و سپس با خدیجه همبستر شدم و بعد از آن فاطمه (سلام الله علیها) بدنیا آمد. به همین جهت است که هرگاه او را می بوسم و می بویم از وی بوی بهشت را استشمام می کنم.

در جایی دیگر از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که فرمود: قبل از اینکه آدم از بهشت هبوط کند، نور فاطمه (سلام الله علیها) به سیبی تابیدن گرفت و آدم آن را خورد و آن نور بعدها در فرزندش هابیل تجلی نمود سپس ادامه داد برای امت من بگویند که نور فاطمه قبل از آفرینش زمین و آسمان آفریده شده است. درموقع وضع حمل خدیجه گویند فرشتگان از آسمان به زیر آمدند تا درتولد فاطمه (سلام الله علیها) او را یاری دهند. فرشتگان او را به دنیا آوردند و درملحفه سفیدی پیچیدند و به مادرش سپرده و به آسمان بازگشتند. گویند اولین زنانی که پای به بهشت می گذارند، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و حضرت مریم (علیه السلام) می باشند. آنها پاک ترین زنان عالم و سرور همه ایشان هستند.

اسماء و القاب آن حضرت

اسماء مبارک آن حضرت بی شمار است که برخی از آنها از این قرار می باشد:

مرضیه، زهرا، صدیقه، طاهره، راضیه، زکیه، مبارکه، محدثه، و...

لقب آن حضرت، سیده نساء العالمین بود. که وی را بتول نیز نامیده اند. یکی از مشهور ترین کینه های آن

حضرت ام ابیها می باشد که پیامبر مکرر آن را به وی می فرمود و او را با این لقب می خواند.

این کینه از آن جهت حائز اهمیت می باشد که معنی لغوی آن این است: مادر پدرش و این ازعجایب تاریخ می

باشد؛ چگونه می تواند دختری مادر پدرش باشد. البته ام یعنی مادر در نظر اعراب کلمه ای مقدس و پاک می

باشد.

از این رو درمی یابیم که پیامبر عظیم الشان اسلام والاترین ارزش ها را برای دخترش فاطمه (سلام الله علیها) قائل

بوده به همین جهت او را مادر خویش نه بلکه مادر همه مسلمان ها نامیده، افتخاری که دیگر هیچ کس به آن

نائل نشده است. خصوصا در آن ایامی که عرب ها برای فرزند دختر خویش اهمیتی قائل نبوده واو را باعث ننگ و خفت دانسته و بعضا آنها را زنده به گور می نمودند.

مقام حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

در قرآن و حدیث در قرآن و سوره های مختلف آن ازدیدگاه برخی از مفسران شیعه، سوره های گوناگونی در شأن و منزلت این بانوی محدثه نازل شده واحادیث فراوانی ازپیامبر نقل شده است که برخی ازآنها به شرح زیر می باشد:

آیه مباهله، آیات الابرار، آیه موعدت اخی لقربی، آیه تطهیر، ازمستحکماتی هستندکه مفسران آن را درباره این بانوی بزرگوار تفسیر می نمایند.

ازعایشه همسر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شده است هیچ کس را جز فاطمه (سلام الله علیها) ندیده ام که اخلاق و خصوصیاتش درست مانند پیامبر (صلی الله علیه وآله) باشد او و پدر گرامیش چون دو نیمه یک سیب بودند. بارها خود به چشم خویش دیدم که هرگاه فاطمه به مجلس پیامبر وارد می شد او از جای برمی خواست و فاطمه را مشایعت می نمود و درصدر مجلس می نشاند. حدیثی دیگر ازپیامبر نقل شده است که فرمود: «ذرات وجود فاطمه (سلام الله علیها) از ایمان به خداوند آکنده است. او هرلحظه در فکر خداست و هیچگاه از یاد او غافل نمی باشد.» ازعایشه نقل شده است که فرمود: هرگاه پیامبر از سفر بازمی گشت نخست فاطمه رامی بوسید او را نوازش می کرد و می گفت: هرگاه ازسفر به خانه بازمی گردم با دیدن فاطمه خستگی راه از تنم خارج می شود و هرگاه که می خواهم به مسافرت بروم با دیدار او جان تازه درقلبم در رگ هایم جریان می یابد و با قوّت قلب بیشتری ازخانه خارج می شوم، فاطمه (سلام الله علیها) ا ز زنان برگزیده و بزرگ عالم است که می توان آن ها را این گونه نگارش نمود.

«حضرت مریم (سلام الله علیها)، حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، آسیه همسر فرعون و خدیجه مادر بزرگوار آن حضرت.»

ازدواج آن حضرت

ازدواج حضرت فاطمه با حضرت علی بزرگترین رویداد زندگی آن دو بزرگوار بود. که دراول ذیحجه، دوم هجرت و به قولی پنجشنبه بیست و یکم محرم سال سوم هجرت به وقوع پیوست. برخی معتقدند که جبرئیل و میکائیل خطبه عقد را جاری ساختند و مهریه آن حضرت به قولی پانصد درهم یعنی چهارصد مثقال نقره بود حدیثی درباره خواستگاری آن حضرت مشهور است که یک روز ابوبکر به منزل پیامبر(صلی الله علیه وآله) آمد و فاطمه را

خواستگاری نمود، رسول خدا گفت: منتظر نزول وحی در این باره هستم. بعد از او عمر به خواستگاری او رفت. پیامبر (صلی الله علیه وآله) همان جواب رابه وی داد. تا اینکه حضرت علی (علیه السلام) به خواستگاری فاطمه رفت. او در حالی که عرق شرم بر پیشانی اش نشسته بود درگوشه ای نشست. پیامبر که او را پریشان احوال و نگران دید فرمود: ای علی چه می خواهی حرف دلت را بزن شاید آمده ای فاطمه را ازمن خواستگاری نمایی. حضرت علی (علیه السلام) با خجالت و شرمساری گفت: آری. دراین هنگام جبرئیل بر رسول الله نازل شد و فرمود: خداوند با این ازدواج فرخنده موافق است. به همین جهت دخترت را به عقد مرتضی درآور تا خداوند از تو راضی باشد.

پیامبر به دخترش فرمود: مبارک باشد بر شما این پیوند فرخنده ونورانی. سپس ادامه داد ای فاطمه (سلام الله علیها) علی (علیه السلام) را که پسر عموی من است به خوبی می شناسی او تربیت شده من است. درخانه ما رشد و نمو یافته به همین علت به تو اطمینان می دهم که او برای تو بهترین شوهر است. اگر می خواهی او را انتخاب کن .

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) کلام روحانی پدرش را پذیرفت و با ازدواج با علی (علیه السلام) موافقت فرمود. مراسم خواستگاری و ازدواج آن دو در نهایت سادگی و بی پیرایگی انجام گرفت. درحقیقت این ازدواج آسان که می توان آن را بهترین نمونه ازدواج های اسلامی دانست می بایست سرمشق مسلمانان در روزگار ما باشد که متاسفانه به علت مخارج گزاف و مهریه های سنگین بسیاری از جوانان قادر به انجام آن نمی باشند. روایت شده است که اگر جوانی به سن بلوغ برسد و ازدواج نکند دینش کامل نمی گردد. ازاین رو جوانان ما باید ازدواج علی و فاطمه را الگو قرارداده و ازخرج هزینه های گزاف بپرهیزند و خانواده ها با آسان گیری زمینه را برای رسیدن به زوج ها به یکدیگر فراهم آورند. همان طوریکه گفته شد پیامبر (صلی الله علیه وآله) جواب قطعی به علی (علیه السلام) نداد. بلکه آن را منوط به عقیده خود فاطمه دانست واین ازنکاتی است که باید مورد توجه مادران و پدرانی باشد که بدون توجه به خواست وعلاقه فرزندانشان آنها را وادار به ازدواج می نمایند.

جهیزیه حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

اشیاء ذیل را جهیزیه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دانسته و دراحادیث وروایات مختلف نام برده اند: تعدادی شیشه عطر، یک مشک آب، پیراهنی ارزان قیمت، یک آفتابه، یک تشت مسی، یک آسیای دستی، پرده ای ازپشم، دو کوزه سفالی، سفره ای چرمی، چادری از پارچه یمنی، یک جفت بالش، دو تشک ازپشم گوسفند ولیف خرما، روبند و یک مقنعه وچیزهای دیگری که برای زندگی ساده و بی پیرایه ضروری است. ازدواج های امروزی متاسفانه آن چنان با بریز و بپاشهای فراوان همراه است که خانواده عروس و داماد تامدت ها می بایست اقساط اجناسی را که با زحمت تهیه نموده اند بپردازند.

درحالیکه فاطمه (سلام الله علیها) را برروی شتر پدرش نشانده بودند و زنان پیامبر دراطراف آن هلهه و شادی می کردند و پیامبر (صلی الله علیه وآله) خود به همراه جوانان بنی هاشم دراطراف شتر حرکت می کردند. فاطمه رابه سوی خانه علی (علیه السلام) بردند.

هنگامی که فاطمه (سلام الله علیها) به خانه علی (علیه السلام) رسید پیامبر داخل شد و دست دخترش را در میان دستان او گذاشت و ازهر دوی آنها تعریف و تمجید کرد و برایشان آرزوی زندگی خوب و خوشی را نمود و تداوم آن را ازخداوند بزرگ مسئلت نمود و آنها را دعای خیر کرد.

فاطمه در منزل حضرت علی (علیه السلام) فاطمه بعد از دومین سال هجرت زندگی مشترک خویش را با علی (علیه السلام) آغاز نمود که مدت آن را برخی از مورخان قریب به 9 سال ذکر کرده اند.

این زن وشوهر شادی ها وسختی های زندگی را با هم تحمل کردند و بدون آن که د رخلال این 9 سال کوچکترین اختلافی باهم داشته باشند به زندگی مشترک خویش ادامه دادند.

از یک طرف علی (علیه السلام) افتخار می نمود که دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله) همسر اوست و از طرف دیگر فاطمه (سلام الله علیها) از داشتن چنین شوهر نمونه ای به خود مباهات می کرد.

از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده است: فاطمه که عزیزترین و محبوبترین کسان پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود گاهی آنقدر با مشک آب می آورد که سینه اش مجروح می شد و آنقدر با دستان خود آسیاب می کرد که دستانش پینه بسته و خشن شده بود و آنقدر خانه را جارو می زد که لباس هایش خاک آلود بود آنقدر زیر دیگ را روشن می کرد که جامه هایش سیاه و دود آلود شده و در بعضی از روزها بسیار لاغر وضعیف می نمود.

تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

یک روز فاطمه (سلام الله علیها) از پیامبر خواست تا کنیزی به او ببخشد تا در کارها به وی کمک نماید تا قدری از بار خستگی اش کاسته شود.

پیامبر گفت: بعد از آنکه از نماز فارغ شدی پیش از آنکه به چپ و راست خود بنگری 34 مرتبه الله اکبر، 33 مرتبه سبحان الله، والحمد لله بگو، آنگاه خواهی دید که خداوند چه نیروی زیادی به تو می دهد که در کارهایت به کنیز نیاز نداشته باشی. فاطمه مسرور شد و از پدر بزرگوارش تشکر نمود.

از همان هنگام تسبیحات حضرت فاطمه (سلام الله علیها) به عنوان یک فعل مستحبی بعد از هر نماز توسط شیعیان آن حضرت قرائت می شود، بعدها پیامبر (صلی الله علیه وآله) کنیزی به نام «فضه» را برای او فرستاد تا در کارهای خانه او را یاری رساند.

رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اندوه فاطمه (سلام الله علیها)

پیامبر در روز دوشنبه 28 صفر یا اوایل ربیع الاول سال یازدهم هجری در مدینه در ا فانی را وداع گفت آخرین کلام او به امت خویش چنین بود:

«أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً» امروز برای شما دینتان را کامل کردم و اسلام را برای شما باقی گذاشتم. بعد از آنکه پیامبر (صلی الله علیه وآله) در بستر بیماری افتاد، هیچکس بیش از فاطمه (سلام الله علیها) برای او دلسوزی نکرد، او بور که شبانه روز از پدربزرگوارش پرستاری و مراقبت می نمود. گویند هنگامی که پیامبر رحلت نمود، فاطمه که از بیدار خوابی های خود از جهت پرستاری از پدر بیمار وضعیق شده بود، روز به روز لاغر و رنجورتر می شد، او چنان از مرگ پدر خود سوگوار شده بود که مردم مدینه براو دل می سوزانیدند و به علی (علیه السلام) می گفتند که همسرت را آرام کن. اما فاطمه بیش از پیش می گریست و زاری می کرد و می گفت: می خواهم آنقدر گریه کنم تا به پدر ملحق شوم من بدون او لحظه ای نمی توانم زندگی کنم.

ماجرای سقیفه

بنی ساعده بعد از فوت پیامبر (صلی الله علیه وآله) همان طوری که گفته شد گروهی از مهاجرین و انصار در سقیفه بین ساعده گرد هم جمع شدند و بدون آنکه توجهی به جنازه پیامبر داشته باشند بر سر انتخاب خلیفه با هم به منازعه پرداختند. حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) و گروهی از بزرگان بنی هاشم، پیامبر (صلی الله علیه وآله) را غسل داده و کفن نموده و دفن کردند. بعد از پایان مراسم خاکسپاری رسول خدابه حضرت علی (علیه السلام) خبر دادند که در سقیفه بنی ساعده ابوبکر را به خلافت برگزیده اند، با اینکه پیامبر (صلی الله علیه وآله) در غدیر خم حضرت علی (علیه السلام) را به جانشینی خود انتخاب نموده بود و خلافت حق مسلم وی بود به خاطر اینکه بین مسلمانان ایجاد اختلاف و تشتت نشود و التهاب جامعه که خود ناشی از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) بو دکاهش یابد و مسلمانان قدرت خویش را حفظ نمایند. اعتراضی نفرمود و بعد از چند روز با ابوبکر بیعت کرد.

ماجرای فدک

فدک دهکده کوچکی از اراضی یهودیان طایفه بنی قریظه بود که در نزدیکی قلعه خیبر قرار داشت. و بعد از تسخیر آنجا توسط مسلمانان و اخراج یهودیان از فدک به تصرف مسلمانان درآمد. فدک بعد از اینکه به تصرف ایشان درآمد جزء اموال غیر منقول پیامبر (صلی الله علیه وآله) درآمد و او آن دهکده را که نخلستان بزرگی در اطراف خود داشت به دخترش فاطمه (سلام الله علیها) بخشید. بعد از ماجرای انتخاب خلیفه و خلافت ابوبکر مسلمانان به گروه های مختلف تقسیم شدن و اختلافاتی در بین ایشان روی داد که بزرگترین آنها قیام مسلمیه کذاب بود که در اواخر عمر پیامبر آغاز گردید و ابوبکر به آن خاتمه داد. بعد از این وقایع حضرت

فاطمه مشاهده نمود که درآمد حاصله از فدک را برای او نمی آورند. به همین جهت کسانی را نزد خلیفه فرستاد و علت را از او پرسید.

ابو بکر پاسخ داد: مگر نشنیده ای که پیامبر بارها فرموده بود: «مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ» یعنی ما جماعت پیامبران را از خو میراثی باقی نمی گذاریم .

هنگامی که این خبر را به حضرت دادند او که در فراق پدرسوگوار بود، آهی از ته دل کشید و با صدای بلند زار زار گریست به طوری که زنان مهاجر و انصار به گریه افتادند و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) سپس خطبه پرشوری خطاب به ابوبکر ایراد نمود.

خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

خطبه حضرت زهرا به این شرح می باشد:

سپاس و ستایش خداوندی راست که زمین و آسمان و هرچه در آن است را آفریده و سپس محمد (صلی الله علیه و آله) را به پیامبری خویش برگزیده است که نور نبوتش جهان ظلمانی را روشن ساخت و با فروغ ملکوتی او بر بال های فرشتگان الهی به آسمانها رفت و معراج نمود.

شما ای انصار و ای مهاجرین که با پیامبر خود دست یاری و مساعدت داده اید و متعهد شدید که او را کمک نمائید و دینش را گسترش بخشید، پس اکنون شمارا چه شده است که برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود حدیث جعلی می سازید و فرزند او را از ارث محروم می کنید.

شما در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) با او بودید چرا اکنون به دوران جاهلیت بازگشتید، چه کسی این روایت نادرست را از پیامبر نقل نموده که فاطمه (سلام الله علیها) از ارث پدر محروم گشته است. آن کیست که قرآن و آیات قرآن را به سود خویش تفسیر نموده و بر روی نص صریح قرآن خط بطلان کشیده است و کلام الهی را دگرگون نموده است .

پس اگر قرآن را نخوانده اید سوره نمل (مورچه) را بخوانید که خداوند در قرآن فرموده: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ» و سپس در سوره نساء به صورت روشن و آشکار مسایل ارث را بیان داشته است. شما چگونه به خود جرأت می دهید که یک حکم الهی را بر روایتی مجهول از یک شخص نامعلوم ترجیح داده و جگر گوشه پیامبر را از میراث حقه و مسلم وی محروم سازید.

من ناگزیرم گفتنی ها را به شما بگویم تا شاید از خواب گران بیدار شوید. این وظیفه من است که امت پدرم را از خطری که پیش روی آنهاست آگاه سازم .

بیانات هیجان انگیز وقایع حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پایه های خلافت تازه تأسیس شده ابوبکر را لرزانید بعد از آنکه ابوبکر خطبه حضرت راشنید بیمناک شد و به او پیغام فرستاد و گفت:

اگر من درجایی حدیثی از پیامبر روایت نمودم و گفتم پیامبران از خود ارثی به جای نمی گذارند، آن ارث شامل اموال غیر منقول نمی شود، به همین جهت فدک را به شما باز می گردانم.

شهادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) که طاقت دوری پدر را نداشت و درسوگ او زاری بسیار نمود، به طوری که شب و روز خویش را به ماتم واندوه می گذرانید، ازاین رو روز به روز ضعیف تر ولاغرتر می شد تا جایی که اطرافیانش نسبت به سلامتی وی بیمناک شدند. تااینکه حضرت دربستر بیماری افتاد.

خصوصا بلال که بوی پیامبر از او استشام می شد ومؤذن بیت الاحزان فاطمه (سلام الله علیها) بود بیش ازپیش نگران سلامتی آن حضرت بود. هنگامی که او اذان می گفت، فاطمه (سلام الله علیها) منقلب می گردید، به طوری که بلال بربستر او حاضر می شد و می گفت:

ما برجان تو بیمناک هستیم مبادا ناگهان جان به جان آفرین تسلیم نمایی.

وخامت حال حضرت به جایی رسید که بزرگان مهاجر و انصار به عیادت او می رفتند. تا اینکه آن حضرت روزسه شنبه دوم جمادی الاخر درحالیکه به قولی 18 سال و 7 ماه از عمرش می گذشت و 71 روز از رحلت پیامبر می گذشت وفات یافت. (به قولی به شهادت رسید)

بعضی مورخان عمر او را 28 سال و رحلت او را 13 جمادی الاول نوشته اند و باز به روایتی گروهی ازمفسران وفات آن حضرت را دوشنبه 13 جمادی الاخر سال 11 هجری ذکر کرده اند.

زنان بنی هاشم درخانه او جمع شدند و به گریه و زاری پرداختند حضرت علی (علیه السلام) او را غسل داد و کفن نمود و درمکان نامعلومی که آن حضرت وصیت نموده بود دفن نمود. مکان دفن آن حضرت بعد ازگذشت چهارده قرن هنوز کشف نشده است با این وجود گروهی ازمورخان عقیده دارندکه مدفن او بین قبر و منبر پیامبر و تعدادی ازایشان آن را در بقیع و یا بین قبر و منبر پیامبر و دسته ای قبر او را درمنزل خودش می دانند؛ به هرحال ممکن است که این راز برشیعیان آن حضرت تا ابد مخفی بماند.

درباره شهادت حضرت زهرا سلیم بن قیس درکتاب اسرار آل محمد می نویسد: بعد ازماجرای سقیفه، عمر به خانه حضرت علی (علیه السلام) حمله ور شده و در آنرا آتش زد و داخل خانه شد و دراین هنگام حضرت فاطمه سرآسیمه ازخانه بیرون آمد عمر با شمشیربه پهلوی حضرت زد و بازوی او را باتازیانه زخمی کرد به طوریکه طفلی که دربطن آن حضرت (محسن) بود سقط شد. دراین هنگام علی (علیه السلام) به دفاع ازفاطمه (سلام الله علیها) برخاست وگریبان عمر را گرفت واو را برزمین زد و خواست که او رابکشد اماغلامان عمر به درون خانه ریختند و قنفذ غلام عمر آن حضرت وهمسرش فاطمه (سلام الله علیها) را با تازیانه مجروح کرد بطوریکه آن حضرت تاهنگام فوت جای زخم او را بر بازویش داشت. بعد ازآن قنفذ فاطمه (سلام الله علیها) را به طرف چهارچوب درخانه کشانید و سپس در را فشار داد تا استخوانی ازپهلویش شکست و طفلش (محسن) را سقط کرد، حضرت زهرا (سلام الله علیها) بعد ازاین ماجرا دائما در بستر بیماری بود تا به شهادت رسید.